

معلمان مثبت

کلیدواژه‌ها: مدرسه مثبت، خودتعیین‌گری، روان‌شناسی مثبت‌گرا.

معلمان به سبب ارتباط وسیعی که با دانش‌آموزان دارند، بیش از سایر عوامل می‌توانند نقشی مؤثر در ایجاد مدرسه مثبت داشته باشند. آشنایی با نگرش معلمان و دانش‌آموزان می‌تواند برای ما راهنمایی باشد تا از نقاط قوت و ضعف رفتارهای خود در کلاس‌های درس و مدرسه بیشتر آگاه شویم.

در چند شماره گذشته مجله رشد راهنمایی تحصیلی، به دیدگاه‌های دانش‌آموزان درباره مدرسه مثبت اشاره کردیم. از آن‌جا که در نظام‌های آموزشی، یک رکن عمده معلمان هستند و به دلیل آن که آنان نیز نگاهی یا به تعبیر درست‌تر نگاه‌های ویژه‌ای به مدرسه مثبت دارند، ضرورت دارد تا از نظر معلمان هم به این موضوع بپردازیم. در آغاز ذکر این نکته لازم است که به دلیل تفاوت نگاه‌ها و نظرات معلمان و اختلاف سبک و شیوه آن‌ها در عرصه آموزش، رسیدن به یک نظر واحد درباره مدرسه مثبت از دید معلمان، اگر کاری ناممکن نباشد، امری سخت و دشوار خواهد بود. هم‌چنین باید توجه داشت، هر چند تلاش شده است تا نقطه نظرهای مطرح در این‌جا، مصداقی یا بازتابی از شرایط آموزشی کشور ما هم باشند، با وجود این، پی بردن به دیدارکان آموزشی ما (معلمان، دانش‌آموزان، مسئولان و اولیای مربوطه)، نیازمند بررسی جامع و پژوهش و تحلیل‌های کافی از تحقیقات موجود است.

به هر روی، انجمن روان‌شناسی آمریکا^۱ (۱۹۹۸ و APA) براساس مطالعات محققانی چون **امر** و همکاران او^۲ (۱۹۹۴) و **واینشتاین و مینانو**^۳ (۱۹۹۳)، خواسته‌ها و دیدگاه‌های معلمان را درباره مدرسه مثبت به این ترتیب عرضه کرده است:

– محیطی ایمن از نظر فیزیکی و ساختمانی

– وجود همکاری بین دانش‌آموزان با یکدیگر و بین معلمان و دانش‌آموزان

– وجود احترام متقابل بین معلمان و دانش‌آموزان
– دارای محیط کلاسی (آموزشی) محرک از نظر بصری (مثل استفاده از پوست‌های جذاب آموزشی یا مطالبی که خود دانش‌آموزان تهیه و در کلاس به شکل‌های زیبا و جذاب نصب کرده‌اند)

– برقراری روابط دوستانه معلمان با دانش‌آموزان مدرسه در ساعات غیرحضور در کلاس

– وجود رویکردهای مبدعانه و متنوع در آموزش (مثلاً یادگیری جست‌وجو محور یا کاوشی و اکتشافی، استفاده از تکنولوژی‌های نو و تکنولوژی‌های آموزشی و...) و امکان استفاده از آن‌ها

– مشارکت فعال دانش‌آموزان در کلاس و در آموزش
– تعریف و مشخص ساختن (یا به اصطلاح عملیاتی کردن) نتایج و بازده‌های روشن آموزشی برای نیل دانش‌آموزان به کسب آن‌ها

– ساختاربندی و سازمان‌دهی روشن و مشخص کلاس
– وجود قوانین، ضوابط و روش‌های آموزشی واضح و روشن
– همکاری مؤثر والدین با مدرسه، معلم و اولیای مدرسه
– وجود والدین حامی (حامی و حمایت‌گر تلاش‌های دانش‌آموزان و معلمان)

– حمایت مدیران و مسئولان از معلمان
– دسترسی ساده و راحت به مواد و مطالب درسی و فناوری‌های نو
– احساس کنترل بر مسیر و سمت‌وسوی بازده‌های آموزشی و نتایج حاصله

– احساس پیشرفت شخصی و آموزشی مداوم.
همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، متغیرهای شکل‌دهنده مدرسه مثبت از نظر معلمان، ترکیبی است از عوامل آموزشی، عوامل مرتبط با کنترل و نحوه اداره کلاس، عوامل عاطفی-اجتماعی و عوامل مرتبط با رشد شخصی و کفایت‌های فردی معلم. در حقیقت چنین به نظر می‌رسد که معلمان، مدرسه‌ای را مثبت می‌دانند که در آن، خودراهربر یا خودتعیین‌گر، به همان مفهومی باشند که در نظریه معروف خودتعیین‌گری^۴ [رایان و دسی؛



**معلمان، مدرسه‌ای را
مثبت می‌دانند که در آن،
خودراهر یا خودتعیین‌گر
باشند**

**دانش‌آموزان تمایل دارند
به هویت غیرتحصیلی
آنان هم احترام گذاشته
شود**

۲۰۰۲] آمده است. توضیح آن که در این نظریه گفته می‌شود، آدمی سه نیاز اصلی روان‌شناختی دارد و در صورتی که این نیازها به شکلی متناسب برآورده و تأمین شوند، فرد احساس بهیاشی خواهد کرد. این سه نیاز عبارت‌اند از: الف) نیاز به عرضه کفایت‌ها، شایستگی‌ها و توانمندی‌ها؛ ب) نیاز به ارتباط و داشتن روابط با دیگران (پیوندجویی اجتماعی)؛ ج) نیاز به خودمختاری.

مقایسه دیدگاه‌های دانش‌آموزان و معلمان

بررسی تطبیقی دیدگاه‌های دانش‌آموزان و معلمان، مبین چند نقطه مشترک مهم بین آن‌هاست. نخستین فصل مشترک، وجود قواعد و ضوابط، شیوه‌ها و ساختارهای کاملاً روشن است. هم دانش‌آموزان و هم معلمان، به این نکته اشاره داشته‌اند. دانش‌آموزان هم مثل معلمان خواهان وجود انضباط در کلاس‌اند. آنان هم احساس امنیت می‌خواهند. با این حال باید توجه داشت که مطلوب‌ترین محیط آموزشی برای دانش‌آموزان، محیطی باشد که در عین داشتن ساختار مشخص، چندان کنترل‌کننده نباشد. ساختار در این‌جا به معنای مشخص کردن یا تنظیم و اعلام اهداف مشخص آموزشی، مبادله انتظارات معقول با دانش‌آموزان، راهنمایی کردن آنان و بازخورد دادن به آن‌هاست که با خود، ارضای نیازها، اهداف، اولویت‌بندی اقدامات و... را به همراه دارد. منظور از کنترل نکردن آن است که ساختار تنظیمی به گونه‌ای به کار بسته شود که به دیدگاه‌های دانش‌آموزان، نیازها، ترجیحات و علاقه‌های آن‌ها احترام گذاشته شود.

فصل مشترک دوم بین دیدگاه‌های دو طرف، اعتقاد به مشارکت دانش‌آموزان در کلاس است. معلمان خواهان مشارکت دانش‌آموزان در فرایندهای آموزشی کلاس‌اند و دانش‌آموزان هم ترجیح می‌دهند که فعالانه در کلاس شرکت داشته باشند. با این حال به نظر می‌رسد، در تعریف شرایط مورد نیاز برای مشارکت دانش‌آموزان، بین دیدگاه‌های دانش‌آموزان و معلمان، تفاوت‌ها و شباهت‌هایی وجود دارد. هر دو گروه خواهان تنوع در یادگیری هستند، هر دو گروه رابطه مثبت بین معلم و دانش‌آموز را دوست دارند و آن را عامل مهمی در محیط کلاس و یادگیری می‌دانند. هر دو گروه بر احترام متقابل معلم و دانش‌آموز تأکید دارند. دانش‌آموزان هم چنین تمایل دارند به هویت غیرتحصیلی آنان هم احترام گذاشته شود.

دو تفاوت عمده هم بین دیدگاه‌های دانش‌آموزان و معلمان به چشم می‌خورد. عوامل مهم از نظر دانش‌آموزان، عمدتاً عوامل فردی و عاطفی هستند، در صورتی که در مورد معلمان چنین نیست و آن‌ها بیشتر عوامل غیر فردی را مورد نظر دارند. تفاوت دیگر این است که چون هر دو گروه خواهان کنترل و در اختیار گرفتن مسیر و جهت یادگیری و آموزش کلاسی هستند، گاهی در این مورد بین آن‌ها تعارض‌هایی ایجاد می‌شود.

پی‌نوشت

1. American Psychological Association (APA)
2. Emmer et al
3. Weinstein & Mignano
4. Self-determination Theory
5. Rayan & Deci

منابع

1. American Psychological Association (1998). Creating Responsible Learners: The Role of a Positive Classroom Environment. Washington DC: APA press.
2. Emmer, E. T., Evertson, C., Clements, B., & Worsham, M. (1994). Classroom Management for Secondary Teachers (3rd ed.). Boston: Allyn & Bacon.
3. Rayan, R. M., & Deci, E. L. (2002). An Overview of Self-determination Theory. In E.L. Deci & R.M. Rayan (Eds.), Handbook of Self-determination Research (pp 3- 33).
4. Seligman, M. E. P (2002). Authentic Happiness: Using the new positive psychology to realize your potential for lasting full fillment. New York: Free press.
5. Seligman, M. E. P., Ernst, R. M., Gillham, J., Reivich, K., & Linkins, M. (2009). positive education: positive psychology and classroom interventions. Oxford Review of Education, Vol. 35. pp 293- 311.
6. Weinstein, C. S., & Mignano, A. (1993). Elementary Classroom managemnet: Lessons from research and practice. New York: McGraw-Hill